

داعش کاروان ولگرد در خدمت ایالات متحده آمریکا

آنتوان شریپانتیه Antoine Charpentier

نویسنده تحلیل گر سیاسی متخصص خاور میانه

مرکز پژوهش های جهانی سازی

28 مارس 2019



بر هیچکس پوشیده نیست که داعش و هم کیشانش ابزارهایی هستند که در دست آمریکائی ها و همپیمانانشان برای اهداف چند منظوره (یا چند بعدی) به کار برده می شوند. در نگاه اول، این گروهک های تروریستی بدست ایالات متحده آمریکا به وجود آمدند، و همانگونه که هیلاری کلینتون گفته است، فرستاده می شوند تا برخی کشورها و به ویژه کشورهای عرب را تخریب کرده و به فروپاشی دچار کنند. سپس مردم این کشورها را وادار می کنند تا از قوانین مستبدانه ای که به هیچ عنوان شایسته مقام انسانی نیست تبعیت نموده و بر این اساس زمینه تصاحب ثروتهای مردم مغلوب شده را تدارک می بینند. وقتی این استراتژی شکست می خورد، همانگونه که در سوریه روی داد، آمریکائی ها بند تفنگشان را از یک شانه به شانه دیگر منتقل می کنند¹ و از « مبارزه

¹ انتقال بند تفنگ از یک شانه به شانه دیگر اصطلاح فرانسوی و به معنی تغییر روش است بی آنکه هدف تغییری کرده باشد.

علیه تروریسم « حرف می زنند. این ساز و کار در عرصه جغرافیای سیاسی در واقع یک اسلحه است که برای همان اهدافی که در بالا اشاره کردم به کار می رود. با وجود این پرسشی که بر جا می ماند این است که چگونه آنانی که گروهک های تروریستی را به وجود آورده اند در عین حال می خواهند علیه آنان بجنگند؟

نبرد علیه داعش در باغوز فوقانی (در استان دیرالزور) آخرین پایگاه داعش در شرق سوریه، در رسانه ها جای پر اهمیتی را بخود اختصاص داده ولی حاوی ابهامات خاصی است. حاکم الزمالی عضو جنبش الصدر در عراق در گفتگویی با شبکه لبنانی المیدان گفته است: طلای ربوده شده از عراق در سال 2014 تقریباً 50 تن تخمین زده شده، به علاوه 400 میلیون دلار در باغوز است. در نتیجه این پرسش مطرح می شود که آیا واقعاً این نبرد هدفش ریشه کن کردن داعش است و یا اینکه هدف آمریکائی ها و نیروهای گرد تصاحب این غنیمت است یعنی گنجینه ای فوق العاده برای نیروهای گرد کاساد جهت تأمین مالی طرح خودمختاری و استقلالشان.

با وجود این، آیا پایان مجاهدین داعش در باغوز واقعاً پایان قطعی این سازمان است؟

رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ پیش از این در 6 فوریه در گردهمایی کشورهای عضو ائتلاف ضد داعش اعلام کرد که سر داعش بریده شده و نیروهای آمریکائی دست اندر کار «باقی مانده های داعش» هستند. ولی می بینیم، به ویژه با آنچه از هم اکنون در باغوز در شرف تکوین است، که داعش به شکل واقعی و عینی هنوز حضور دارد. این موضوع تناقض استراتژیک رئیس جمهور ترامپ و دولت او را به ویژه در رابطه با موضوع مبارزه علیه تروریسم آشکار می کند.

الوان علم الدین Alwan Alam Al-Din در کتاب « منازعات در لبه پرتگاه »² از بروس هوفمن³ کارشناس تروریسم در دانشگاه جرج تاون⁴ به نقل می آورد و می گوید: « با وجود مرگ شمار بسیاری از تروریستهای خارجی عضو داعش، هزاران نفر از آنان از سوریه گریخته اند و امروز به قطع یقین بسیاری از آنان در بالکان به سر می برند و مطمئناً منتظر فرصت مناسبی هستند تا قاچاقی وارد اروپا شوند.»⁵

به نقل از فدران دزیک⁶ Fidrane Dzihik کارشناس بالکان در مؤسسه بین المللی نروژ در همان کتاب: « سلفیستهای جهاد طلب در بالکان به سر می برند و با برخورداری از امکانات بزرگ چندین کشور در قاره اروپا را هدف گرفته اند.»⁷

² *Conflicts sur le bord de l'Abîme*

³ Brousse Hauffman

⁴ Université Georges Tawn

⁵ A. N. AMINE EL-DINE, *Conflicts sur le bord de l'Abîme*, Beyrouth, 2019, p. 12 (En arabe)

⁶ تلفظ نام عربی به فارسی ممکن است صحیح نباشد

⁷ A. N. AMINE EL-DINE, *Conflicts sur le bord de l'Abîme*.....Op.cit. p.13

علاوه بر اینکه امروز اروپا از سوی بالکان تهدید می شود، رئیس جمهور ترامپ به سهم خود اعلام کرد که تابعین کشورهای اروپائی را که در زندان نیروهای گُرد در سوریه به سر می برند و زیر پرچم داعش در عراق و سوریه می جنگیدند آزاد کرده است. این رویداد دو موضوع را ثابت می کند، نخستین موضوع به سطح همکاری آمریکا و گُرد مربوط می شود که به روشنی نقش ترامپ در جایگاه سخن گو و تصمیم گیرنده اصلی ولی به نام نیروهای گُرد سوریه دموکراتیک را نشان می دهد، موضوع دوم جنگ امنیتی ست که ترامپ پس از اعلام جنگ اقتصادی علیه اروپا اعلام کرده است.

مارک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا به سهم خود در آغاز ماه فوریه اعلام کرد که داعش به سوی آفریقا می گریزد. پرسشی که می توانیم درباره این گزارش مطرح کنیم این است که چگونه داعشی که در شرق سوریه در محاصره ائتلاف بین المللی به فرماندهی ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان گُرد آنان بوده به همین سادگی به آفریقا گریخته است؟ آیا بین ورود داعش به قاره آفریقا و هرج و مرج و اقدام برای بی ثبات سازی رابطه ای وجود دارد که در حال حاضر برخی کشورهای آفریقائی با آن روبرو شده اند؟ و یا اینکه هم زمانی این رویدادها یک اتفاق بیشتر نبوده است؟ برای روشنتر کردن این موضوع باید یادآوری کنیم که نیروهای امنیتی الجزائر اخیراً یک گروه پر شمار از تروریستهای را بازداشت کردند که از حومه حلب آمده بودند و سعی داشتند از مرز نیجریه وارد الجزائر شوند.

هم اکنون گزارشاتی به جریان افتاده که خبر از انتقال ارتش آمریکا از سوریه به عراق می دهد، و حدود 800 مجاهد داعش را نیز با خود منتقل می کنند. این مجاهدین در زندان نیروهای گُرد کاساد به سر می بردند.

در نتیجه اگر ما بیانات هیلاری کلینتون درباره سهم آمریکا در ایجاد القاعده و سپس داعش، و عملکردهای سیاست امنیتی آمریکا را به حساب بیاوریم، می بینیم که در بیشتر موارد مبارزه علیه تروریسم همواره به معنای جا بجا کردن [تروریستها] از یک کشور به کشور دیگر، از یک منطقه به منطقه دیگر بوده و یا اینکه به آنان اجازه داده تا آزادانه عبور و مرور کنند، با وجود این همه جا جار زده که علیه آنان جنگیده است.

سرانجام هیچ مانعی وجود ندارد تا داعش یا گروه های افراطگرا با تمایلات اسلامی مشابه یا گروه های افراطگرای مسیحی در آمریکای لاتین را ببینیم که هدفشان مقابله با قدرت رسمی ونزوئلا و هم پیمانانش است. به ویژه که سناریوئی که ایالات متحده آمریکا برای ونزوئلا آماه کرده است مشابه طرحی ست که سوریه از هشت سال پیش با آن رویاروئی می کند که با برافراشتن پرچم «بهار عرب» آغاز شد.

لینک منبع متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/daech-caravane-deambulante-au-service-des-etats-unis/5632400>

ترجمہ حمید محوی

پاریس، 9 آوریل 2019